

## سیاست روسیه در آفریقا

### ( تغییر رویکرد انقلابی به رویکرد عملگرایانه )

احمد بغشی<sup>۱</sup>

#### چکیده

روسیه دارای تاریخی طولانی تعامل با قاره آفریقا است که به قرون وسطی برمی‌گردد. مورخین تاریخ روابط رسمی روسیه و آفریقا را سه قرن پیش می‌دانند که این روابط از مصر شروع شد، پس از این، روابط دیپلماتیک با اتیوپی و آفریقای جنوبی برقرار گردید اما این روابط تا زمان استقلال کشورهای آفریقایی محدود بود. اتحاد جماهیر شوروی پس از استقلال کشورهای این قاره با اهداف ایدئولوژیکی به برقراری روابط با آنان پرداخت و در راستای تعارض با ایدئولوژی غرب به رقابت با ایالات متحده پرداخت که حاصل آن بلوک بندی کشورهای این قاره بود. در زمان جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی، کمک‌های زیادی به کشورهای طرفدار خود در این قاره کرد، اما با فروپاشی شوروی، نگاه به داخل بر سیاست‌های این کشور حاکم گردید و رهبران جدید، تمام مشکلات کشور را ناشی از سیاست‌های کمک‌های این کشور به مناطق جهان و به ویژه آفریقا می‌دانستند در نتیجه سیاست روسیه در این قاره تغییر یافت. در پایان دهه ۱۹۹۰ سیاست نگاه به شرق و همکاری با تمام جهان در سند راهبردی روسیه

<sup>۱</sup>. کارشناس مسائل آفریقا- مرکز مطالعات آفریقا دانشگاه تربیت مدرس

تعریف گردید و مجدداً نگاه به آفریقا روبه افزایش گذاشت به طوری که در چند سال اخیر قراردادهای زیادی بین روسیه و کشورهای آفریقایی به امضا رسیده است و مقامات سیاسی روسیه نیز سفرهایی به این قاره داشته‌اند. نگاه جدید روسیه حاکی از آن است که دیگر نگاه ایدئولوژیکی جنگ سرد بر سیاست این کشور حاکم نیست و بیشتر این سیاست معطوف به منافع ملی و گسترش تجارت می‌باشد که به طور مثال می‌توان به فعالیت شرکت‌های نفت و گاز روسیه در قاره اشاره کرد هرچند که نباید تجارت اسلحه با این قاره و رقابت با قدرتها که اعتراض کشورهای غربی را برانگیخته است، نادیده گرفت.

**واژگان کلیدی:** روسیه، آفریقا، جنگ سرد، ایدئولوژی، منافع ملی، شوروی، پوتین.

### مقدمه: بررسی تاریخی

اگر چه روسیه هرگز در آفریقا مستعمراتی نداشته است، اما این کشور دارای تاریخی طولانی از تعامل با این قاره است که به قرون وسطی، زمانی که ارتدوکس‌های روسی با هم کیشان آفریقایی خود (به طور کلی مصر و اتیوپی) در سرزمین مقدس یکدیگر را ملاقات می‌کردند، برمی‌گردد. در پایان قرن هجدهم میلادی کنسولگریهای روسیه در قاهره و اسکندریه افتتاح شد. بیش از یکصد سال قبل در سال ۱۸۹۸ و پیش از انقلاب بلشویکی، روسیه روابط دیپلماتیک خود را با اتیوپی و جمهوری آفریقای جنوبی (ترانسوال) آغاز کرد. در همان سال روسیه کنسولگری خود را در تنجیر (مغرب) افتتاح کرد.

پس از سال ۱۹۱۷، ارتباط روسیه با آفریقا، هر چند به شکل محدود اما به طور کلی از طریق چارچوب کمینترن و آموزش‌های سیاسی به آفریقایی‌ها ادامه یافت. فعالیت‌های روسیه در مورد گسترش روابط از اواخر دهه ۱۹۵۰ درست در زمانی که کشورهای آفریقایی استقلال‌شان را به دست آوردند گسترش یافت و کرملین با هدف حمایت از

جنبش‌های ضد استعماری به سمت کشورهای آفریقایی و آسیایی گرایش پیدا کرد. اتحاد جماهیر شوروی خود را به عنوان یک متحد بنیادی برای دولت‌های تازه تأسیس آفریقا معرفی می‌کرد این امر به این خاطر بود که تزار روسیه در استعمار این قاره دخالت نداشته بود بلکه در عوض اتحاد جماهیر شوروی خود را در ناسیونالیسم آفریقایی و احساسات ضد امپریالیستی سهیم کرد و تعدادی از رهبران آفریقایی اعلام کردند که کشورشان پس از استقلال روش سوسیالیستی را در پیش خواهد گرفت. با وجود نزدیکی ایدئولوژیکی، طبیعی بود که مقامات مسکو رویه همسویی را نسبت به آفریقا اتخاذ کنند. مسکو روابط دوستانه و برادرانه‌ای را با حکومت‌های رادیکال مانند غنا، گینه، مالی و سپس با دولت‌های مارکسیست - لنینیست مانند آنگولا، موزامبیک و اتیوپی ایجاد کرد. (تامسون، ۱۳۸۶: ۳۰۴)

اتحاد جماهیر شوروی اساساً در تلاش برای تقویت سوسیالیسم در آفریقا بود. این‌گونه نیست که رهبران آفریقا، سوسیالیسم را همانند آنچه اتحاد جماهیر شوروی تجویز کرده اعمال کرده‌اند اگرچه که ارتباطات دوستانه با این کشور گسترش یافت اما دولت‌های آفریقایی مراقب بودند تا فاصله‌شان را نیز حفظ کنند. همان‌طور که احمد سکوتوره، رئیس‌جمهور گینه هشدار داد: «سعی در غربی یا شرقی شدن، آفریقا را به سمت انکار شخصیت آفریقایی‌اش سوق می‌دهد». در عوض، سیاستمداران قاره با ریشه‌های ناسیونالیست، سوسیالیسم منحصر به فرد خود یعنی سوسیالیسم آفریقایی را ترویج دادند. لیوپولد سنگور، رئیس‌جمهور سنگال مشکلات مطابقت با سوسیالیسم افراطی اروپا را خاطر نشان ساخت، و اعلام کرد: «آشکار است که سوسیالیسم آفریقایی دیگر نمی‌تواند همانند سوسیالیسم مارکس و یا انگلس که در قرن نوزدهم مطابق با متدهای علمی و واقعی اروپایی بود، عمل نماید». برای مثال تئوری‌های کلاسیک

سوسیالیسم، پرولتاریا را به عنوان یک طبقه انقلابی که باید بورژوازی را شکست دهد، تلقی می‌کرد. در آفریقا با پایه اندک صنعتی‌اش، هیچ‌گونه طبقه واقعی که بتوان درباره آن صحبت کرد وجود نداشت، همچنین هیچ‌گونه جامعه‌ای با نابرابری عظیم وجود نداشت. دولت‌های آفریقا لازم بود ایدئولوژی‌هایشان را با تجربیاتشان ارتباط دهند. به این دلیل بود که سوسیالیسم آفریقایی بر روی ارزش‌های سنتی این قاره تأکید داشت. بنابراین سوسیالیسم آفریقایی در تلاش برای احیای ارزش‌های سنتی و پیوند آن با تکنولوژی و دولت - ملت مدرن بود. همچنین در مورد ادغام برابری، همکاری و انسانیت جوامع روستایی با ثروت و پتانسیل بالقوه که باید با استفاده از شیوه‌های تولیدی مدرن و به کمک مؤسسات دولتی ایجاد شود مباحثی را ارائه داده است. در این روش، سوسیالیسم آفریقایی در تلاش بود تا از مرحله سرمایه‌داری توسعه و همچنین تحلیل‌های مارکسیستی کلاسیک فراتر رود و نه اینکه جایگزین شوروی و دیکتاتوری طبقه پرولتاریا شود. رهبران آفریقایی اعتقاد داشتند که این راه غیرسرمایه‌داری خودکفایانه منجر به سوسیالیسم، باید نظم جدیدی را ایجاد کند که فقر کاهش یابد و رفاه و احترام به بشر گسترش یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### جنگ سرد و روابط اتحاد جماهیر شوروی و آفریقا

بدون شک، اصطلاح رایج «رقابت ابرقدرت» در شکل‌دهی روابط مسکو با آفریقا در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ نقش داشته است. هر چند امری اشتباه خواهد بود که ماهیت مداخله اتحاد جماهیر شوروی در قاره را به تلاش برای به دست آوردن موقعیت ژئواستراتژیک و حمایت عمومی در عرصه بین‌الملل کاهش دهیم. این نکته نباید فراموش شود که اتحاد جماهیرشوری در زمان جنگ سرد هیچ وقت برای اهداف خود،

دوستان آفریقایی را به طور رسمی به عنوان یک دست نشانده و یا شرکای سطح پایین اجیر نکرد، بلکه آنان را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر مبارزه جهانی علیه امپریالیسم در نظر گرفت. این موضوع بیانگر محتوی ایدئولوژیکی سیاست اتحاد جماهیر شوروی به ویژه نسبت به آن دسته از کشورهای که رهبران‌شان ادعای اتخاذ نوع دیگری از سوسیالیسم را داشتند، بود. (همان: ۹۳)

ایالات متحده و اتحاد شوروی با درگیر شدن در بن‌بست نیروی هسته‌ای در اروپا به این نتیجه رسیدند که منفعت استراتژیک را باید در جایی دیگر به دست آورد. بنابراین رقابت‌ها در قاره آفریقا گسترش یافت، اگرچه سیاست‌های استراتژیک حاشیه‌ای برای مقامات واشنگتن و مسکو از اهمیت کمی برخوردار بود، ولی نتایج آن تأثیرات شگرفی در درون آفریقا به همراه داشت. جای شک وجود نداشت که اتحاد جماهیر شوروی درصدد غلبه و نفوذ بر حکومت‌های آفریقایی از طریق ایجاد منطقه حائل در این قاره (مانند آنچه در اروپای شرقی وجود داشت) بود مسکو همچنین اعلام کرد که کشورهای آفریقایی زمانی می‌توانند کمک‌های شوروی را دریافت دارند که ارتباطشان را با غرب قطع کنند. (همان)

اگرچه قاره آفریقا هرگز در رأس اولویت‌های این کشور قرار نداشت ولی مسکو به محض به دست آوردن فرصت، خواستار مداخله در این قاره بود. در دهه ۷۰ اتحاد جماهیر شوروی نقش فعال‌تری در امور آفریقا ایفا کرد. مقامات مسکو در تلاش بودند تا از ناامنی سیاسی ناشی از خروج پرتغال از آفریقا و همچنین برکناری امپراتور هایله سیلاسی از اتیوپی منافی کسب کنند. آنها همچنین مشتاق بودند تا در منازعات آزادی‌بخش علیه اقلیت سفیدپوست دولت‌های جنوب آفریقا همکاری داشته باشند. در نتیجه انگولا، موزامبیک و اتیوپی حجم زیادی از کمک‌ها را دریافت کردند تا توان

رژیم‌های مارکسیست - لنینیست را در دفاع از خود در مقابل نیروهای ضد انقلابی افزایش دهند. همین‌طور تجهیزات نظامی برای جنبش‌های آزادی‌بخش جنوب (برای مثال حزب کنگره آفریقا در آفریقای جنوبی، سوآپو در نامیبیا و زاپو در زیمبابوه) مهیا گردید. به امید اینکه، این کشورها زمانی که شورشگران ناسیونالیست حکومت‌های اقلیت سفید را در انتخابات شکست دادند جزو متحدین شوروی باقی ماندند. اگرچه در کوتاه‌مدت مسکو در تلاش برای گسترش موقعیت استراتژیک خود در آفریقا بود اما گسترش سوسیالیسم هدف درازمدت سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی بود. پس از مدتی اتحاد جماهیر شوروی به تعدادی از فرودگاه‌ها و بندرگاه‌های اطراف این قاره دست پیدا کرد و این امر قابلیت‌های جنگ سرد اتحاد جماهیر شوروی را به شدت افزایش داد. برای مثال پروازهایی از کوناگری در غرب آفریقا، مسکو را قادر ساخت تا بر کشتی‌های غرب در اقیانوس اطلس نظارت داشته باشد و امکانات دفاعی در سومالی و سپس در اتیوپی عملیات دفاع دریایی شوروی را در اقیانوس هند افزایش داد.

وجود جنگ سرد تبعات زیادی را برای این قاره به دنبال داشت. حضور اتحاد جماهیر شوروی در زمان جنگ سرد در قاره آفریقا بیشتر تابع یک عامل اساسی و کنترل نفوذ ایالات متحده در این قاره بود. اوج این نفوذ ظهور دولتهای مارکسیستی در آنگولا، موزامبیک، اتیوپی و... بود که کمک‌های فراوانی را از این کشور دریافت می‌کردند. طبق بعضی از گزارشها رقم این کمک‌ها در دهه ۱۹۸۰ سالانه بین ۳۵ تا ۴۶ میلیارد دلار به متحدین آفریقایی بوده است (Kanet, 1989, 43) - که در نهایت منجر به بروز درگیری‌هایی بین دو ابرقدرت گردید (Kanet, 1983: 82) مداخله خارجی، دولت‌های آفریقایی را از یک رانت بهره‌مند می‌کرد که در عوض آنها را قادر به حفظ این منابع می‌کرد روش ابتدایی اتحاد شوروی در پرداخت این رانت، از طریق تهیه سلاح‌های

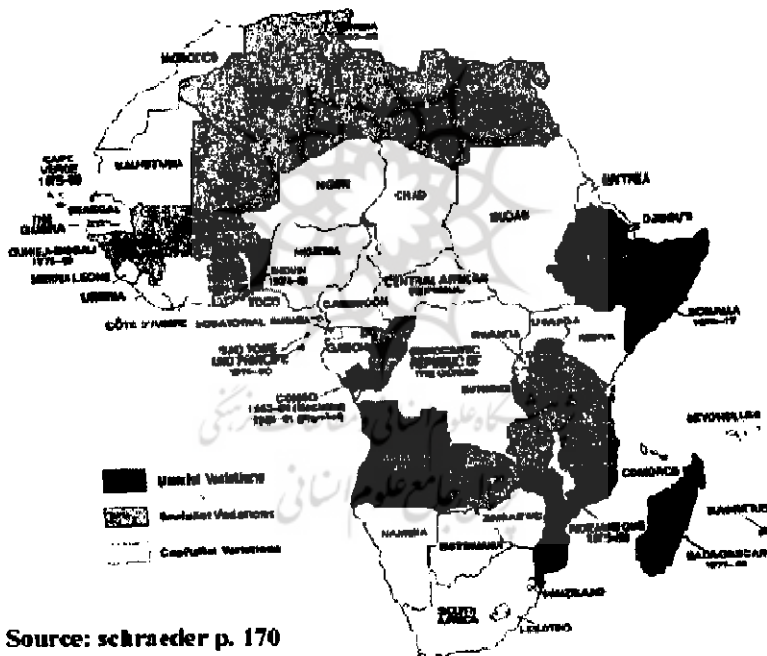
نظامی بود. میلیون‌ها تن از تجهیزات نظامی به آفریقا سرازیر شدند و این سلاح‌ها با قیمت بسیار پایین (و حتی رایگان) عرضه شد. تقریباً نزدیک به نیمی از دولت‌های این قاره از فرصت دوره پسااستعماری استفاده کردند. در نتیجه، فروش تجهیزات نظامی اتحاد جماهیر شوروی به آفریقا از ۱۵۰ میلیون دلار در دهه ۶۰ به ۲/۵ میلیارد دلار در دهه ۷۰ افزایش یافت. اکثر کشورهای آفریقایی تجهیزات نظامی را از اربابانشان در طول جنگ دریافت کردند. به عنوان مثال فقط اتحاد جماهیر شوروی بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۷، ۲/۷ میلیارد دلار اسلحه را به آفریقا ارسال کرد این در حالی است که در این دوره ایالات متحده ۱/۶ میلیارد دلار هزینه کرد (تامسون، ۱۳۸۶: ۳۱۴)

قدرتهای بزرگ به طور مستقیم در چندین بحران نیز مداخله کردند برای مثال در آنگولا دولت (MPLA) از طرف اتحاد جماهیر شوروی حمایت می‌شد در حالیکه شورشیان یونیتا UNITA به وسیله ایالات متحده حمایت می‌شدند با این وجود این جنگ به یک جنگ وکالتی (Proxy war) تبدیل شد. در این حالت برقراری و حفظ صلح بسیار مشکل شد در صورتی که قبلاً احزاب همراه با واسطه‌های محلی به سرعت ممکن بود به توافق برسند اما با وجود جو حاکم بر آفریقا اکنون می‌بایست این امر باتوافق قدرتهای بزرگ صورت می‌پذیرفت در نتیجه منابع خارجی این جنگ‌ها را تغذیه می‌کرد

در زمان اتحاد جماهیر شوروی زمانی که توجه و نگاه مسکو به این قاره در سطح بالایی بود رهبران عالی‌رتبه این کشور توجه چندانی به حضور فیزیکی در این قاره نداشتند. تنها استثناء در این مورد سفر نیکیتا خروشچف به مصر در سال ۱۹۶۴ بود. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ اتحاد جماهیر شوروی صدها قرارداد را با کشورهای آفریقایی امضاء کرده بود و در حدود ۵۳ هزار آفریقایی در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های فنی اتحاد جماهیر

شوروی تعلیم دیده بودند. در اوج جنگ سرد فقط حدود ۴۰ هزار مشاور فنی و نظامی در کشورهای آفریقایی متمایل به شوروی (سابق) حضور داشتند. همچنین هزاران نفر از مدارس سیاسی و نظامی فارغ التحصیل شدند. در بین این فارغ التحصیلان نیز رؤسای فعلی کشورهای آنگولا، دماغه سبز (کیپ‌ورد)، مالی، موزامبیک و آفریقای جنوبی حضور دارند. [داشتند] علاوه براین حداقل ۲۰۰ هزار متخصص آفریقایی توسط نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در آفریقا تعلیم دیدند. (Ian Taylor, 2004: 102<sup>1</sup>)

پراکنده‌گی ایدئولوژیهای سیاسی در آفریقا در دوره جنگ سرد



Source: schraeder p. 170

<sup>1</sup>- این کتاب تحت عنوان: آفریقا در سیاست بین الملل با ترجمه نویسنده این مقاله به چاپ رسیده است.



### روسیه و آفریقا پس از جنگ سرد

اوایل دهه ۹۰ اتحاد جماهیر شوروی طرفدارانش را در اروپای شرقی از دست داد؛ بلافاصله بعد از آن اتحاد جماهیر شوروی تجزیه شد، سوسیالیسم از بین رفت و این کشور به چندین کشور با حاکمیت جداگانه تقسیم شد. جنگ سرد به پایان رسید و رئیس‌جمهور جورج بوش مسئولیت کشورش را به عنوان تنها قدرت کلان پذیرفت و اعلام کرد که نظم جدید بین‌المللی متولد شده است.

یکی از فوری‌ترین تأثیرات پایان جنگ سرد در آفریقا پایان دادن به جنگ‌های وکالتی بود. زیرا آفریقا اهمیت ژئوپلیتیک خود را از دست داد و رقابتهای ایدئولوژیکی نیز از بین رفت و در نتیجه منابع خارجی برای تداوم جنگ‌ها کاهش یافت. برای مثال در سال ۱۹۹۰ فروش اسلحه به اتیوپی قطع شد و این امر باعث کم‌شدن منابع گردید به طوری که یک سال بعد رژیم حاکم بر این کشور به سمت مذاکره با شورشیان گرایش پیدا کرد، امری که با وجود جنگ سرد ممکن بود هرگز اتفاق نیافتد. نمونه دیگر برای این امر در جنوب آفریقا بود که باعث شد مذاکرات صلح در این منطقه بین شورشیان آنگولا (UNITA) و دولت حاکم (MPLA) شروع شد. این در حالی بود که در دوره جنگ سرد MPLA از حمایت شوروی و شورشیان UNITA از حمایت امریکا و آفریقای جنوبی برخوردار بودند. پس از این دوره بود که آفریقای جنوبی و کوبا نیروهایشان را از آنگولا خارج کردند (تامسون، ۱۳۸۶: ۱۶)

یکی از تغییرات مهم این بود که با پایان جنگ سرد، کمک حکومت‌های خارجی برای کمک به آفریقا به شدت کاهش یافت و نوع کمک‌ها تغییر کرد. همانطور که ذکر شد مدیران و رؤسای دولت‌ها قبلاً کشورهایشان را بر اساس تبعیت ایدئولوژیکی و اولویت‌های استراتژیکی تقسیم‌بندی می‌کردند. ایالات متحده، متحدینش را در آفریقا

تحت عنوان «سرمایه‌گذاری علیه تجاوزات و دست‌اندازی‌های کمونیستی» حمایت می‌کرد [دولت‌هایی که در این طرح مورد پشتیبانی قرار گرفتند کنیا، مغرب و زئیر (کنگوی دموکراتیک) بودند] در حالی که اتحاد جماهیر شوروی با کشورهای سوسیالیستی مانند (اتیوپی و آنگولا) همکاری می‌کرد. با تمرکز این کشورها بر روی جنگ سرد، نه واشنگتن و نه مسکو به نظر نمی‌رسید که نگران این مسئله باشند که این کشورها در سطح گسترده‌ای دارای سیستم استبدادی و عملکرد ضعیف در مورد حقوق بشر می‌باشند.

به هر حال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی معانی و دلالت‌های گوناگون و گسترده‌ای برای نخبگان دولتی آفریقا در پی داشت نوشته‌هایی مانند براتون<sup>۱</sup> و وان دواله<sup>۲</sup> بر روی دیوار برلین قرار داشت طرفداران اتحاد جماهیر شوروی اکنون هیچ‌گونه پشتیبانی خارجی نداشتند تا به آن رجوع کنند اگرچه متحدین ایالات متحده نیز حمایت‌های بدون قید و شرط اندکی را دریافت می‌کردند زیرا منافع استراتژیک واشنگتن در این قاره به طور شگفت‌انگیزی کاهش یافته بود.

به طور کلی؛ آفریقا (حتی روابط آفریقا و روسیه) فدای بعضی از مشکلات روسیه شد. چرا که این موضوع در کمک اتحاد جماهیر شوروی به آفریقا، که ناشی از مشکلات اقتصادی بود، انعکاس داشته است. بوریس یلتسین در ابتدای جریان مبارزات انتخاباتی خود مدعی شد که کمک‌های اتحاد جماهیر شوروی به آفریقا و دیگر کشورهای در حال توسعه، یکی از دلایل اصلی بروز مشکلات اقتصادی است که مردم روسیه/ اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی با آن روبه‌رو شده‌اند.

<sup>۱</sup>. Bratton

<sup>۲</sup>. Van de Walle

به هر حال به جز در چند سال اخیر، روسیه تنها سایه‌ای از حضور دیپلماتیک و تجاری خود را در این قاره حفظ کرده است. توافقات روسیه در مقایسه با دوران جنگ سرد به شدت کاهش یافته است. این مسأله به طور مستقیم در ارتباط با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است که روسیه را با تعدادی از مسایل و مشکلات داخلی به ویژه تأثیرات خطرناک انتقال به سوی اقتصاد بازار مواجه کرده است. (Taylor, 2004:107) در دهه ۱۹۸۰ همزمان با افول قدرت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی، میزان کمک‌های این کشور به متحدینش در این قاره و دیگر کشورهای جهان سوم کاهش یافت. اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این قاره برای مدتی به فراموشی سپرده شد و در سال ۱۹۹۲ سفارتخانه‌های روسیه در کشورهای بورکینافاسو، گینه استوایی، لسوتو، لیبیا، نیجر، سائوتومه و پرنسیپ، توگو، سومالی و سیرالئون بسته شد. همچنین مدتی بعد کنسولگری‌های این کشور در موزامبیک، آنگولا، ماداگاسکار و کنگو بسته شد. (Patman, 1990:292) در نتیجه، حجم روابط تجاری از یک میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ به ۷۶۰ میلیون در سال ۱۹۹۳ کاهش یافت. که از این مقدار نیز ۸۳ درصد با کشورهای شمال این قاره بود. اما پس از مدتی روسیه متوجه شد که تعلیق و تاخیر روابط با آفریقا موجب ضربه زدن به منافع ملی این کشور می‌گردد

امروزه مردم روسیه، دهه ۱۹۹۰ (دوره یلتسین) را به عنوان یک دهه از دست رفته تصور می‌کنند. یک نگرش جدید در سیاست خارجی روسیه به وجود آمده است که هم علاقه‌مند به روابط با غرب و هم جهان در حال توسعه است. این گرایش و بازگشت به واقع‌گرایی در سیاست خارجی روسیه، حتی قبل از افول یلتسین به ویژه در سال ۱۹۹۶ پس از جایگزینی پریماکف- که متخصص جهان سوم و به طور خاص جهان عرب بود- به جای آندره کوزیروف، روی داد. این تغییر که ۴ یا ۵ سال پس از ریاست

جمهوری یلتسین رخ داده نشان دهنده این موضوع است که اتکاء یک جانبه به غرب برای روسیه سودمند نبوده است. این اتفاق زمانی رخ داد که رژیم کرملین به ثبات رسیده بود.

اگر سفر رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، اف دبلیو دکلرک را در سال ۱۹۹۲ به مسکو نادیده بگیریم، تا سال، رهبر هیچ کدام از کشورهای آفریقایی به مسکو مسافرت نکرد؛ تا این که در این سال ۱۹۹۷ حسنی مبارک رئیس جمهور مصر، ادواردوس سانتوس رئیس جمهور آنگولا، سام نجوما رئیس جمهور نامیبیا، تادوامبکی و متعاقب آن نلسون ماندلا از روسیه دیدار کردند. حجم دیدار مقامات آفریقایی از مسکو پس از تحولات در کرملین افزایش یافت. در سال ۲۰۰۱ ولادیمیر پوتین رئیس جمهور جدید روسیه پذیرای سران و مقامات بعضی از کشورهای آفریقایی از جمله عبدالعزیز بوتفلیقه از الجزایر، عمر بونگو از گابن، لاساناکونته از گینه، حسنی مبارک از مصر، اولسگان اوباسانجو از نیجریه و ملیس زناوی از اتیوپی بود.

در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، روسیه در تلاش بود تا فراتر از نقش اخیر خود در جهان سیاست با یک سیاست خارجی فعال، ایفای وظیفه کند. این وظیفه شامل تعریف منافع تازه در آفریقا، به طور کلی با توجه به تقویت صلح در قاره و هم چنین گسترش روابط اقتصادی است. روسیه به دنبال ایفای "نقش ویژه" به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت است و اکنون در تلاش برای ایجاد زمینه‌های ایدئولوژیک رابطه به منظور ارتباط با آفریقا را به کنار گذاشته و تنها به زمینه‌های تجاری و اقتصادی توجه دارد.

در این راستا، سند راهبردی روسیه تنظیم گردید از توضیح مفهوم امنیت ملی در این سند پیدا است که آفریقا در سیاست خارجی روسیه دارای اولویت نیست. زیرا که

نام آفریقا در انتهای فهرست مناطق و شامل دو منطقه آخر است که تنها قبل از امریکای لاتین ذکر شده است. به رغم این موضوع، این سند؛ گسترش تعاملات با دولت‌های آفریقایی و همچنین تأکید روسیه بر آمادگی این کشور برای کمک به حل و فصل منازعات احتمالی در منطقه آفریقا را مد نظر دارد. در دوره جدید نیز در این سند اصلاحاتی به عمل آمده است؛ اگرچه دگرگونی اساسی در سند راهبردی جدید روسیه دیده نمی‌شود اما آنگونه که در خبرها آمده است تغییراتی قابل توجه در جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه در پیش است.

در "دکترین جدید سیاست خارجی روسیه" اصلی‌ترین محورها عبارتند از:

- ۱- تأکید بر اینکه باید نقش روسیه در روند مسائل جهانی افزایش پیدا کند
- ۲- سیاست جهانی دچار تغییرات اساسی شده که بر روابط بین‌الملل تأثیر مستقیم داشته است.
- ۳- در جهان کنونی از نگاه روسیه رویارویی ایدئولوژیکی و میراث جنگ سرد کنار گذاشته شده است.
- ۴- روند جهانی سازی با چالش‌های جدی روبرو شده است که غرب از قبول مسئولیت آن سرباز می‌زند
- ۵- کنارگذاشتن مفهوم "دشمن" و بجای آن استفاده از کلماتی همچون "رقابت و همکاری در برابر غرب"
- ۶- دفاع از اصول حقوق بین‌الملل و ممانعت از برخوردهای یکجانبه گرایی
- ۷- نظم نوین جهانی که در حال شکل‌گیری است و روسیه قصد دارد فعالانه در این روند تأثیرگذار باشد
- ۸- جهت‌گیری در سیاست خارجی از اروپا و آمریکا به سمت آفریقا و امریکای لاتین و

توجه به کشورهای جامعه مشترک المنافع در وهله نخست است (بهشتی پور، ۱۳۸۷: سایت روزنامه مردمسالاری). همانطور که مشاهده می‌گردد مهم‌ترین بخش این سند تاکید بر تغییر جهت سیاست خارجی روسیه از اروپا و آمریکا به سمت آفریقا و آمریکای لاتین است. هم‌اکنون ۳۸ سفارتخانه روسیه در کشورهای آفریقایی فعالیت می‌نمایند در حالی که ۳۶ کشور آفریقایی در مسکو سفارتخانه دارند و سه کشور موریس، اوگاندا و سنگال به تازگی سفارتخانه‌های خود را افتتاح و یا مجدداً بازگشایی (در دو مورد اخیر اوگاندا و سنگال) کردند.

### افزایش نفوذ روسیه در آفریقا

بر خلاف دیگر کشورها، از نفوذ روسیه در این قاره چندان خبری مخابره نشده است. اما با این وجود یکی از اهداف روسیه در دوران جدید، گسترش نفوذ در حوزه‌های مورد غفلت در دهه آخر حکومت اتحاد جماهیر شوروی و همچنین دوران بوریس یتسین بوده است در این راستا، روسیه نگاه به مناطق آفریقا و آمریکای لاتین را در دستور کار خود قرار داد. مشارکت روسیه در نشست گروه ۸ کشور صنعتی تا حدودی به روسیه اجازه می‌دهد تا سیاست خود را نسبت به آفریقا گسترش دهد. روسیه در گروه ۸ کشور صنعتی قول داده است تا بخشی از بدهی‌های کشورهای آفریقایی زیر صحرا را لغو نماید. به گفته وزیر خارجه، روسیه آماده توسعه همکاری‌ها با آفریقا، از جمله برای ایجاد پتانسیل ضد بحران در آفریقا است. سفر پوتین به الجزایر در مارس و سفر به مغرب و آفریقای جنوبی در سپتامبر ۲۰۰۶ و سفر مدودف در اوایل سال ۲۰۰۹ در راستای نگاه جدید و اهداف اقتصادی روسیه در قاره آفریقا می‌باشد. سفر پوتین به آفریقای جنوبی در سپتامبر ۲۰۰۶ اولین سفر یک رئیس‌جمهور روسیه به این کشور بود.

(Smith, 2007:7) از طرف دیگر سفر دیمیتری مدودف به چهار کشور آفریقایی مصر، نیجریه، نامیبیا و آنگولا و امضاء اسناد مهمی طی این سفر در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصادی و خصوصا در حوزه انرژی را می‌توان تحولی مهم در سیاست خارجی روسیه دانست حضور ۴۰۰ مدیر اقتصادی و بازرگان در کنار رئیس‌جمهوری روسیه از همین موضوع حکایت می‌کند. در میان این افراد روسای غول‌های انرژی و هسته‌ای روسیه مانند لوک‌اویل و گازپروم کاملا چشمگیر است در نیجریه ۶ قرارداد بزرگ در حوزه‌های مختلف مخصوصا همکاری‌های نفت و گاز و البته انرژی هسته‌ای به امضا رسید. بر این اساس یک قرارداد بین شرکت ملی نفت نیجریه و گازپروم برای تاسیس شرکت مشترک منعقد شد و دسترسی به منابع گازی و نفتی نیجریه در اختیار طرف روسی قرار گرفت. علاوه بر این، دو کشور درباره ساخت یک لوله گازی از سال ۲۰۱۰ به توافق رسیدند که می‌تواند بخشی از یک لوله گاز ماوراء صحرای آفریقا در آینده باشد که تا سواحل مدیترانه امتداد خواهد یافت.

مرور تحولات سیاست خارجی روسیه طی سال‌های اخیر به ویژه از ابتدای ریاست‌جمهوری پوتین حاکی از مسلط شدن رویکرد عمل‌گرایی بر رفتارهای خارجی این کشور است که سبب شده تا مقامات کرملین با تأکید بر این مهم که روسیه تبدیل به قدرت بزرگی نخواهد شد، مگر با قدرت اقتصادی، اقتصادی‌سازی سیاست خارجی را مجدانه مطرح‌نظر قرار داده و تدابیری را نیز برای عملیاتی کردن این رویکرد در نظر گیرند. شایان توجه اینکه، شرکت‌های روسی به ویژه شرکت‌های فعال این کشور در حوزه انرژی از جمله «گازپروم»، «روس نفت»، «لوک اویل» و «تاواتک» چندی است که گستره فعالیت خود را در قاره آفریقا به ویژه در حوزه‌های نفت و گاز مصر و نیجریه و همچنین در زمینه‌های انرژی اتمی، الماس، آلومینیوم، تولید قطعات اتوموبیل و مواد

کمیاب مضاعف کرده و حتی برخی از این شرکت‌ها طی سال‌های اخیر اقدام به خرید میادین نفت و گاز در آفریقا کرده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، شرکت‌های مختلف روسی طی سال‌های اخیر تا حدود ۱۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در آفریقا اختصاص داده‌اند که تاکنون ۴ تا ۶ میلیارد دلار از این مبلغ هزینه شده و برنامه‌ریزی برای عملیاتی کردن باقی‌مانده این مبلغ نیز مجدداً در حال پیگیری است. به تأکید کارشناسان روس، ضرورت فعال شدن دیپلماسی اقتصادی روسیه با عنایت به ظرفیت‌های بسیار قاره سیاه برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی از یک سو و کمبود سرمایه و ضعف تکنولوژی در این قاره برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود خود از سوی دیگر که آمریکا و کشورهای اروپایی از مدت‌ها پیش با سوء استفاده از همین مؤلفه به بهره‌برداری گسترده از مزایای این قاره مبادرت کرده‌اند، بیشتر قابل درک است. لذا آنها بر این نکته تأکید دارند که مسکو باید با کاربست تدبیر دیپلماتیک و حمایت از شرکت‌های روسی فعال در این قاره سهم بایسته خود را از این بازار گسترده برگرفته و از این طریق به تقویت موقعیت خود در نظام بین‌المللی اقتصادی و به تبع آن ارتقاء موقعیت سیاسی خود در این نظام اقدام کند. از سوی دیگر با عنایت به اینکه یکی از اهداف راهبردی روسیه در عرصه بین‌الملل تبدیل شدن به ابرقدرت انرژی است و این موضوع به تکرار مورد تأکید مقامات مختلف این کشور قرار گرفته و نیز از آنجایی که قاره آفریقا به لحاظ منابع هیدروکربنی واجد ظرفیت‌های بسیار بوده و در این زمینه روند رو به رشدی را آغاز کرده، تحلیلگران روس بر این باورند که کرملین باید برای تحقق اهداف بلندمدت خود در حوزه انرژی و افزایش توان رقابتی روسیه با شرکت‌های آمریکایی و اروپایی که هم اکنون به صورت انحصاری در صنایع نفت و گاز آفریقا حضور



دارند، باید پویایی خود در این زمینه را افزون کرده و مجدانه به حمایت از شرکت های روسی در این قاره اهتمام ورزد. (علیرضا نوری، ۱۳۸۸: سایت ایراس)

در کنار ابعاد اقتصادی این سفر که نوع کشورهای مقصد آن را پررنگ می کند نباید از جنبه سیاسی سفر و مهم تر از همه پیام بازگشت روسیه به آفریقا و ایفای نقش در عرصه جهانی غافل شد. سفر پوتین در سال ۲۰۰۶ و این سفر را می توان بازگشت روسیه به قاره سیاه با رویکردی جدید و گواهی بر اصرار این کشور به ارتقاء موقعیت خود در ترتیبات نظام بین الملل دانست بازگشتی که این مرتبه نشان از عاری بودن از جنبه های ایدئولوژیک دارد.

واقعیت این است که روسیه در قراردادهای نفت و گاز در آفریقا نفوذ قابل توجهی اعمال کرده و می خواهد از این طریق در بازار جهانی انرژی برگ برنده را به دست بگیرد. گرایش شدید این کشور به بخش گازی نیجریه و احتمال سرمایه گذاری تا سقف ۲/۵ میلیارد دلار در این کشور، نشانه ای مهم از تلاش مسکو برای تضمین حضور خود در قاره آفریقا است که این تلاش های مسکو باعث نگرانی کشورهای اروپایی شده است تا جایی که روزنامه انگلیسی «فایننشال تایمز» چندی پیش نوشت: شرکت گازپروم روسیه درصدد سلطه افکنی بر ذخایر گاز آفریقا و افزایش تسلط خود بر منابع عرضه گاز به اروپا است. در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۸ میلادی، شرکت گازپروم روسیه قراردادی را با نیجریه به امضا رساند که بر اساس آن، روسیه در تولید برق به نیجریه کمک کرده و در مقابل، برای احداث خط لوله گاز از غرب آفریقا به اروپا اعمال نظر نماید، گازپروم در عین حال به همراه شرکت انی ایتالیا درصدد تامین هزینه پروژه احداث خط لوله گاز لیبی به اروپا است. این خط لوله از زیر دریای مدیترانه می گذرد و در مقابل اعمال نفوذ در احداث آن، روسیه می خواهد تمام صادرات گاز و بخشی از صادرات نفت لیبی را خودش بخرد. اگر چنین شود، روسیه در واقع کنترل کامل صادرات گاز به اتحادیه اروپا

را در دست خواهد گرفت، علاوه بر این، روس‌ها قراردادهایی هم با الجزایر، انگولا، مصر و ساحل عاج به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار به امضا رسانده‌اند و انتظار می‌رود این قراردادها از سال ۲۰۱۰ عملیاتی شود. روس‌ها تنها نفت و گاز و خط لوله نمی‌خواهند. روسیه از ۲۰ میلیارد دلار از مطالبات خود در آفریقا چشم‌پوشی کرد و اخیراً هم اعلام کرد کمک بدون قید و شرط ۵۰۰ میلیون دلاری به کشورهای آفریقایی خواهد کرد. روسیه همچنین چند ماه پس از گشایش دفتر توریسم دولت زیمبابوه در مسکو مانع از به تصویب رسیدن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در مورد زیمبابوه شد. تمام این موارد اروپا را بسیار نگران کرده است. اگر روسیه تامین گاز طبیعی اتحادیه اروپا را در کنترل کامل خود داشته باشد اروپا در محاصره قرار خواهد گرفت و تقریباً جایگزینی برای تامین انرژی خود نخواهد داشت. اتحادیه اروپا پس از جنگ پنج روزه گرجستان و روسیه ۲۱ میلیارد دلار برای احداث خط لوله گاز طبیعی از جنوب صحرای آفریقا ارائه کرد. در نتیجه بازی بزرگ آغاز شده است. (Foreign policy, December, 2008 &Time, 28 Dec 2008)

روسیه علاوه بر سرمایه‌گذاری در نفت و گاز به دنبال نفوذ در دیگر بخش‌های تجاری این قاره است و رویکرد تجاری را بر رویکرد ایدئولوژیک زمان جنگ سرد ترجیح داده است. به گفته معاون اتاق صنعت و بازرگانی روسیه علاقه دنیای تجارت روسیه برای همکاری با کشورهای آفریقایی بی‌وقفه در حال افزایش است. از دیدگاه وی رشد با ثبات اقتصادی در برخی از کشورهای آفریقایی به میزان سه تا چهار درصد در سال، امکانات تازه ای برای سرمایه‌گذاری روسیه در آفریقا به وجود می‌آورد. شرکت نفت «لوک اویل» بزرگ‌ترین شرکت نفتی روسیه و شرکت‌های «آلروسا» و «روسال» که به ترتیب از بزرگ‌ترین شرکت‌های الماس و آلومینیوم در دنیا هستند، مهم‌ترین شرکت‌های روسی فعال در آفریقا هستند. (www.shana.ir)

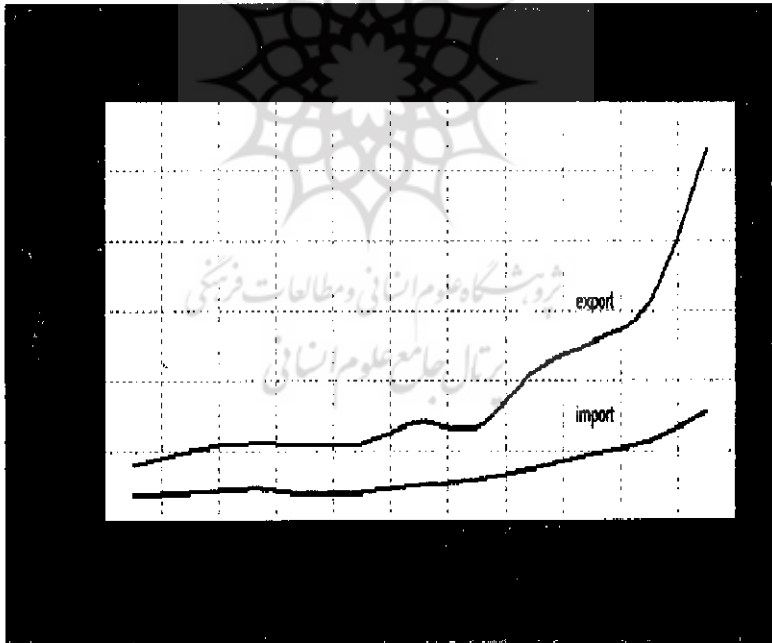
### روسیه و بحران دارفور

دیدگاه روسیه درباره بحران دارفور همواره حمایت از اقدامات سازمان ملل بوده؛ ضمن اینکه نیم نگاهی هم به حمایت از سودان داشته است. وزیر امور خارجه روسیه معتقد است که درباره موضوع دارفور باید براساس گزارش دبیرکل سازمان ملل قضاوت کرد. وی اظهار داشت: «گزارش دبیرکل از اوضاع دارفور نشان می‌دهد که پیشرفت محسوسی در عمل سودان به تعهداتش در بحران دارفور به وجود آمده است». عفو بین‌الملل گزارشی را تهیه کرد که در آن چین و روسیه را متهم به نقض حقوق بشر و فروش تسلیحات به دولت سودان کرده بود. علاوه بر این روسیه از بحران دارفور به عنوان دروازه ای برای ورود جدید در عرصه سیاسی استفاده می‌کند. فرستاده ویژه روسیه به سودان اعلام کرده است که روسیه در حال بازگشت به آفریقا است و مسکو آماده است نقشی بسیار فعال‌تر در این قاره برعهده بگیرد. وی اعلام کرد که ما می‌خواهیم صدای ما در گفتگوهای بین‌المللی درباره مشکلات کشورهای آفریقایی بویژه مربوط به سودان، دارفور و توافق صلح با جنوب این کشور شنیده شود.

### نگاه تجاری روسیه به روابط با قاره آفریقا

براساس آمار گمرک روسیه حجم تجارت این کشور با آفریقا در سال ۲۰۰۲، ۹۰۰ میلیون دلار یعنی ۱٫۵ در صد تجارت روسیه بوده است. هم‌اکنون نیز حجم تجارت این کشور با آفریقا ۲ میلیارد دلار می‌باشد که در مقایسه با تجارت ۲۵۰ میلیاردی آفریقا چیزی کمتر از ۱ در صد می‌باشد (Radulich, 2006) در زمینه تجارت و اقتصاد باید متذکر شد به واسطه موافقت‌نامه‌های گوناگونی که فدراسیون روسیه آنها را از دوره اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده است- از آن جمله می‌توان به موافقت‌نامه با ۳۷

کشور در زمینه همکاری اقتصادی و تکنولوژیکی و همچنین با ۴۲ کشور در زمینه تجارت نام برد- پیوندهایی بین روسیه و کشورهای آفریقایی وجود دارد (Diech, 2003:52). با این حال روسیه در عمل چیز زیادی را به دست نیاورد و گردش مالی آن در حدود یک میلیارد دلار بود. (Plus planety, 31 march 2003) که حجم زیادی از آن مبلغ به کشورهای شمال آفریقا اختصاص یافته بود. برای مثال حجم تجارت روسیه با نیجریه تنها ۳۰۰ میلیون دلار است این در حالی است که این رقم برای ایالات متحده و چین به ترتیب ۴۰ و ۱۱ میلیارد دلار می باشد. روسیه امیدوار است با نگاه جدید و فراهم کردن زمینه های مبادلات دو جانبه تا پایان سال ۲۰۰۹ میزان مبادلات تجاری روسیه و آفریقا به ۶ میلیارد دلار برسد که این رقم چند برابر مبادلات فعلی است



### روسیه و تجارت اسلحه با آفریقا

یک بخش مناقشه برانگیز در روابط اقتصادی روسیه با آفریقا تجارت اسلحه است. مشارکت و مداخله اتحاد جماهیر شوروی در تجهیز و مشاوره نیروهای نظامی کشورهای گوناگون آفریقا بر کسی پوشیده نیست. در بعضی از این کشورها برای مثال الجزایر، آنگولا و اتیوپی تا ۹۰ درصد از تجهیزات نظامی این کشورها، ساخت اتحاد جماهیر شوروی بود. هرچند وضعیت به طرز عجیبی در اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییر کرد. فروش تجهیزات نظامی روسیه در سال ۲۰۰۷، ۷/۴ میلیارد دلار بوده است که این رقم برای سال ۲۰۰۸، ۸ میلیارد دلار اعلام گردیده است. روسیه در سالهای اخیر قراردادهای نظامی کلاتی با کشورهای شمال آفریقا از جمله الجزایر و مغرب به امضا رسانده است. این کشور ۷.۵ میلیارد دلار قرارداد نظامی با مغرب در سفر پوتین امضا کرد. بر طبق گزارشها تجهیزات نظامی بعضی از کشورهای آفریقایی بین ۶۰ تا ۹۰ درصد ساخت روسیه می باشد در کنار فروش تجهیزات نظامی روسیه در حفظ صلح این قاره نیز مشارکت دارد که این امر از تناقضات بسیاری از قدرتها در این قاره است

### روسیه و مشارکت در حفظ صلح آفریقا

روسیه در تلاشها برای جلوگیری یا حل منازعات در آفریقا مشارکت نموده است. این مشارکت و مداخله تحت نظارت سازمان ملل به طور کلی در شکل گروههای ناظر در کشورهایی مانند مصر، کنگو، سیرالئون و صحرای غربی صورت گرفته است. در مورد سیرالئون، روسیه گروهی متشکل از ۱۱۵ سرباز (پرسنل نظامی) را به همراه ۴ فروند بالگرد نظامی M۲۴ اعزام نمود. رهبران روسیه این نوع فعالیت را تحت برنامه «مسئولیت پذیری ویژه» کشورشان به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت انجام دادند.

علاوه بر این مسکو، تنها کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل بود که واحدهایی از نیروهای خود را به کمک نیروهای صلح‌بان سازمان ملل به سیرالئون (UNAMSIL) اعزام کرد. همزمان مسکو اعتقاد داشت که اعزام نیروهای صلح‌بان به سیرالئون برای برقراری صلح، ثبات و آرامش، خواهد توانست به توسعه روابط دو جانبه مسکو با کشورهای آفریقایی کمک کند. لاوروف معتقد است که "طی سال‌های اخیر ما بطور قابل توجهی (سالانه تا ۴۰۰ نفر) تعداد پاسداران صلح از آفریقا که دوره آمادگی را در روسیه می‌گذرانند را افزایش داده‌ایم".

### نتیجه‌گیری

شواهد و قراین نشان از رویکرد جدید فدراسیون روسیه به قاره آفریقا دارد. در سالهای اخیر و پس از روی کار آمدن پوتین، نوع نگاه به سیاست خارجی تغییر کرد و این کشور، کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین را جزو اولویت‌های خود قرار داد و سیاست نگاه به شرق را مورد توجه قرار داد که این اولویتها را در سند راهبردی و الحاقیه آن گنجانده و در عمل نیز نشان داده است. در روابط فعلی روسیه با آفریقا، زمینه ایدئولوژیکی یا منافع استراتژیک نظامی اندکی وجود دارد و در مقابل این روابط متکی بر فهم و برداشت روسیه از تجارت و غلظت اقتصادی می‌باشد. اگر نگاه اتحاد جماهیر شوروی در زمان جنگ سرد متکی بر گسترش ایدئولوژی کمونیستی و سیاست سد نفوذ در برابر آمریکا و مشغول نگاه داشتن ایالات متحده در این قاره برای کاهش نفوذ در اروپای شرقی بود، در سالهای اخیر نوع نگاه منافع محور گردیده است و رویکرد تجاری در روابط دو جانبه روسیه با آفریقا مشهود می‌باشد، اگرچه که حجم تجارت این کشور رقم بالایی را به خود اختصاص نداده است اما قراردادهای دوجانبه و چند جانبه و حضور

شرکت های معدنی و به ویژه نفت و گاز در این قاره نشان از تلاش روسیه در رشد چشم‌گیر این امار در سالهای آینده دارد. هر چند که در این بین نباید از فروش تسلیحات روسی به قاره آفریقا غافل شد، امری که واکنش کشورهای غربی و همچنین سازمانهای منطقه‌ای را برانگیخته است و آن را در تعارض با همکاریهای این کشور در استقرار صلح در آفریقا قرار داده است.

### منابع

بهشتی پور، حسن؛ (۱۳۸۷) سند راهبردی جدید سیاست خارجی روسیه، روزنامه مردمسالاری، ۱۳۸۷/۵/۱۵ شماره ۱۸۶۲.

تامسون، الکس؛ (۱۳۸۶) مقدمه ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، ترجمه علی گلیانی و احمد بخشی؛ موسسه مطالعاتی ابرار معاصر تهران.

نوری، علیرضا، رویکرد جدید روسیه در قاره سیاه، سایت ابرار

Ian Taylor & Paul Williams, (2004) *Africa in International politics*, Rutledge.

Smith, mark (2007) *A Review of Russian Foreign Policy*, Defense Academy of United Kingdom

Roger E. Kanet, "The Evolution of Soviet Policy toward the Developing World from Stalin to Brezhnev," in Edward A. Kolodziej and Roger E. Kanet, eds., *The Limits of Soviet Power in the Developing World: Thermidor in the Revolutionary Struggle* (London: Macmillan Press, 1989), pp. 36-60.

Roger E. Kanet, "Security Issues in Soviet African Policy: The Imperatives of Soviet Security Policy in Soviet-African Relations," *Crossroads: An International Socio-Political Journal*, no. 10 (1983), pp. 81-120.

Robert G. Patman, "Russia's New Agenda in Sub-Saharan Africa," in

- Peter Shearman, ed., **Russian Foreign Policy Since 1990** (Boulder: Westview Press, 1995)
- Alexander V. Kozhemiakin/Roger E. Kanet, **Russian Policy toward Sub-Saharan Africa: Disengagement or Cooperation?** Department of Political Science University of Illinois, 1995
- Mark Radulich, **Russia Return to Africa**, Progressive Conservatism Wednesday, September 20, 2006
- Schrader, peter(2000), **African politics and society**, Macmillan  
<http://www.globalpolitician.com/21470-russia-military>  
<http://allafrica.com/stories/200901290636.html>  
[http://www.upiasia.com/Security/2008/12/19/russian\\_chinese\\_weapons\\_com\\_pete\\_in\\_africa/5472/](http://www.upiasia.com/Security/2008/12/19/russian_chinese_weapons_com_pete_in_africa/5472/)  
<http://www.users.globalnet.co.uk/~chegeo/africa.htm>  
[www.shana.ir](http://www.shana.ir)  
Times, 28 Dec, 2008.  
[www.foreignpolicy.com](http://www.foreignpolicy.com)

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی